اسماعیل خلج

دیگر آثار خلج نیز هر یک براساس نوع موضوع خود دارای ریشه‌هایی از واقعیت جامعه در عصر نگارش خود هستند. خلج با تمرکز بر جریان اجتماع فقیر و نمایش زندگی آن‌ها در عین انتقال اطلاعات و احساسات به مخاطب تلاش می‌کند معمای بدبختی این قشر را (که همیشه وجود دارند)، کشف کند. دوران نمایشنامه‌نویسی خلج، درست از یک دهه قبل از انقلاب آغاز شده و هنوز ادامه دارد، اما بسیاری بر این عقیده‌اند که اولین دهه فعالیت او در زمینه نمایشنامه‌نویسی، بی‌شک محکم‌ترین دوران کاری او بوده و رمز ماندگاری خلج نیز از همان جا سرچشمه گرفته است.

پیامک ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲
اگر مطلب این صفحه را می‌پسندید عدد ۶ را پیامک کنید

گلدن گلوب

فیلم‌های آنجلینا جولی و کلینت ایستوود نادیده گرفته شد

پیشتازی «بردمن» در جوایز گلدن گلوب

فیلم «بردمن» ساخته آلخاندرو گونزالس ایناریتو با نامزدی در هفت بخش پیشتاز نامزدهای هفتاد و دومین دوره جوایز سالانه گلدن گلوب است. «بچگی» ساخته ریچارد لینکلیتر و «بازی تقلید» به کارگردانی مورتن تیلدوم، هر یک در پنج بخش نامزد دریافت گلدن گلوب هستند. درام «سلما» به کارگردانی آوا دوورنی و «دختر از دست رفته» ساخته دیوید فینچر هر یک در چهار بخش و «چشمان بزرگ» به کارگردانی تیم برتن در سه بخش شانس دریافت جوایز گلدن گلوب امسال را دارند که اسامی نامزدهای آن پنجشنبه پیش اعلام شد. تینا فی و ایمی پولر برای سومین سال پیاپی اجرای جوایز گلدن گلوب را به عهده دارند که ۱۱ ژانویه ۲۰۱۵ (بامداد دوشنبه ۲۲ دی به وقت ایران) در هتل بورلی هیلتن در لس‌آنجلس برگزار می‌شود.

برخلاف دوره‌های قبل که بیشتر نگاه‌ها به نامزدهای بازیگری بود، امسال پس از اعلام نامزدهای جوایز گلدن گلوب خیلی‌ها از بخش کارگردانی می‌گویند. آوا دوورنی برای «سلما» که داستان آن درباره مارتین لوتر کینگ جونیر است، در بخش گلدن گلوب بهترین کارگردان نامزد شده است. دوورنی چهل و دو ساله اولین کارگردان زن سیاه‌پوست است که در تاریخ جوایز گلدن گلوب در این بخش نامزد دریافت جایزه می‌شود. او برای دریافت جایزه گلدن گلوب بهترین کارگردان با وس اندرسن (هتل بزرگ بوداپست)، دیوید فینچر (دختر از دست رفته)، آلخاندرو گونزالس ایناریتو (بردمن) و ریچارد لینکلیتر (بچگی) رقابت می‌کند. «سلما» همچنین یکی از نامزدهای بخش بهترین فیلم درام است. «بچگی»، «شکارچی روباه» ساخته بنت میلر، «بازی تقلید» به کارگردانی مورتن تیلدوم و «نظریه همه چیز» ساخته جیمز مارش دیگر نامزدهای این بخش هستند. «بردمن»، «هتل بزرگ بوداپست»، «در جنگل» به کارگردانی راب مارسال، «Pride» ساخته متیو وورچس و «سنت وینسنت» به کارگردانی تئودور ملفی نامزدهای گلدن گلوب بهترین فیلم موزیکال یا کمدی هستند. در بخش بهترین بازیگر مرد درام، استیو کارل برای «شکارچی روباه»، بندیکت کامبربچ برای «بازی تقلید»، جیک جیلنهال برای «شبخیز»، دیوید اویلوو برای «سلما» و ادی ردمین برای «نظریه همه چیز» نامزد شده‌اند. نامزدهای بخش بهترین بازیگر زن درام عبارتند از جنیفر آنیستن برای «کیک»، فلیسیتی جونز برای «نظریه همه چیز»، جولین مور برای «همچنان آلیس»، رزاموند پایک برای «دختر از دست رفته» و ریس ویترسپون برای «وحشی.» در بخش بهترین بازیگر مرد موزیکال یا کمدی، رالف فاینس برای «هتل بزرگ بوداپست»، مایکل کیتن برای «بردمن»، بیل موری برای «سنت وینسنت»، واکین فینیکس برای «فساد ذاتی» و کریستوف والتس برای «چشمان بزرگ» نامزد شده‌اند و ایمی آدامز برای «چشمان بزرگ»، امیلی بلانت برای «در جنگل»، جولین مور برای «نقشه ستاره‌ها»، کووئنژنی والیس برای «آنی» و هلن میرن برای «سفر صد فوتی» نامزدهای بخش بهترین بازیگر زن موزیکال یا کمدی هستند.

انجمن مطبوعات خارجی هالیوود (HFPA) بانی جوایز گلدن گلوب، فیلم‌های «تک‌تیرانداز امریکایی» به کارگردانی کلینت ایستوود و «نشکسته» ساخته آنجلینا جولی را کاملاً نادیده گرفت و «بین ستاره‌ای» کریستوفر نولان نیز تنها در بخش بهترین موسیقی (هانس زیمر) نامزد شده است.

انجمن مطبوعات خارجی هالیوود متشکل از حدود ۸۵ خبرنگار و روزنامه‌نگار آزاد است. گلدن گلوب پس از اسکار مهم‌ترین جایزه سینمایی در امریکاست. این جوایز زمانی یک شاخص مهم برای اسکار بود، اما در سال‌های اخیر متفاوت با آکادمی علوم و هنرهای سینمایی عمل کرده است. پارسال «۱۲ سال بردگی» در گلدن گلوب جایزه بهترین فیلم درام را برد و برنده جایزه اسکار بهترین فیلم هم شد.

به بهانه سالروز تولد یاسوجیرو ازو

فیلمسازی که هایکو می‌سرود...

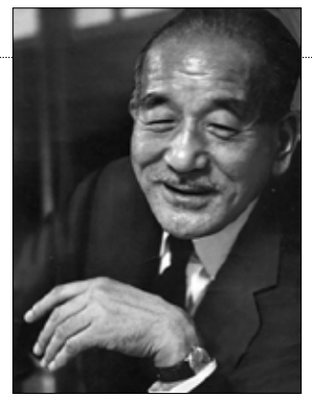

نزهت بادی : ۱۲ دسامبر سالروز تولد یاسوجیرو ازو یکی از مهم‌ترین فیلمسازان ژاپنی است که با فیلم‌های «داستان توکیو»، «آخر بهار»، «آغاز تابستان»، «آخر پاییز»، «طعم چای سبز از برنج» و «بعدازظهر پاییزی» شهرت دارد.

فیلم‌های ازو دارای داستان‌هایی مشترک و مشابه با درون‌مایه‌ها و موقعیت‌های تکرارشونده‌ای هستند که شخصیت‌هایش در آغاز راهی که در پیش رو دارند، به لحظه پایانی آن رسیده‌اند و هرچند کنار هم هستند، اما فاصله‌ای پرنشدنی میانشان وجود دارد و به همین دلیل شاهد روابطی سرد و ملال‌آور و گفتگوهای یک طرفه و یکنواخت و روابط سرد هستیم. دوربین ازو به چشمان آدمی گوشه‌گیر و ساکت می‌ماند که می‌تواند ساعت‌ها روی یکی از همان تشکچه‌های مخصوص ژاپنی‌ها بنشیند و بی‌آن که خسته شود، جهان را نظاره کند. از این روست که در آثار ازو با قاب‌هایی تخت و ایستا با ارتفاعی واحد و همسطح چشم و قطع‌هایی ساده و آرام و ترکیب‌بندی‌هایی متوازن و افقی روبه‌رو هستیم. گویا در برابر دنیایی که در آن توان با هم بودن نیست، تنها کاری که از ازو برمی‌آید، این است که در گوشه‌ای خلوت و خاموش از سر درد و دلتنگی به دنبال نقطه پیوندی در میان فاصله‌ها و خلأها زندگی باشد.

به همین دلیل در فیلم‌های ازو تمام جزئیات و رویدادهای ساده و عادی به بخشی از یک مراسم آیینی تبدیل می‌شود که از دل چنین رویکردی همه امور معمولی و تکراری پیرامونمان جنبه‌ای متعالی و باشکوه و شاعرانه می‌یابند و زندگی به تجربه‌ای کمیاب و دست‌نیافتنی تبدیل می‌شود. درواقع او به واسطه تکرار و قابل پیش‌بینی بودن در سبک فیلم‌هایش چنان کنش‌های هستی را از معنای همیشگی خود خالی می‌کند و نوعی ایستایی و تهی‌گونگی و سکون به سلوک آدمی می‌بخشد که غیبت، خلأ و سکوت به حضور، عمق و معنای رازآلودی از زندگی منجر می‌شود. فقط در فیلمی از ازو است که یک کلمه «آه» می‌تواند به اندازه همه گفتگوهای جهان، تنهایی و اندوه انسان را تداعی کند. از این رو فیلم‌هایش به هایکویی آرام و لطیف می‌مانند که گویی کسی به آرامی در آن برای همه جاهای خالی که هرگز پر نمی‌شوند، گریسته است. در آغاز فیلم مستند «توکیوگا» که ویم وندرس درباره ازو ساخته است، بر روی تصاویر ابتدایی از فیلم «داستان توکیو» صدای وندرس به گوش می‌رسد که در ستایش و می‌گوید: «سینما برایم پیش از وی وجود نداشت. اگر در تاریخ سینما چیزی مقدس یافتنی باشد، بی‌شک آثار ازو است؛» چه چیزی مقدس‌تر از دلتنگی‌های شاعرانه برای لحظات غایب آدمی که به طرز بی‌رحمانه‌ای در زندگی به یغما رفته است...

آیدا تدین

ژان-مارک والی، کارگردان «وحشی»(Wild)، در زمان فیلمبرداری چند قانون ناخوشایند برای بازیگر اصلی زن فیلمش، ریس ویترسپون، وضع کرده بود، از جمله این که او اجازه نداشت آرایش کند، حق نداشت خودش را در آیینه ببیند و باید تمام آیینه‌های اتاقکی را که در آن ساکن بود می‌پوشاند و ضمناً اجازه نداشت کوله پشتی غول آسای مضحکی را که باید به دوش می‌کشید ذره‌ای سبک‌تر و از بار و بندیل داخلش کم کند، زیرا این کوله پشتی یکی از ویژگی‌های اصلی کاراکتر شریل استرید، قهرمان فیلم بود.

مروری بر فیلم «وحشی» از نگاه عوامل فیلم

قوانین بی‌رحمانه کارگردان برای سفر درونی یک زن

والی، کارگردان آثاری همچون «باشگاه خریداران دالاس» و «ویکتوریای جوان» در مورد قوانین بی‌رحمانه‌اش می‌گوید: «نام فیلم «وحشی» است، نه خوش تیپ و جذاب؛» رویکرد والی در این درام زندگینامه‌ای به سبک فیلمسازی بازیگر پسند است که بر نور طبیعی، دوربین روی دست و یک تیم جمع و جور از عوامل تکیه دارد. والی ۵۱ ساله با ساخت هشت فیلم بلند سینمایی بیش از ۲۰ سال است به صورت مداوم در مقام کارگردان در کانادا و ایالات متحده فعالیت کرده است.

اما او در مقام کارگردانی که مثل یک چوپان بازیگرانش را هدایت می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها بعضی از قوی‌ترین و پرهزینه‌ترین اجراهای عمرشان را به نمایش بگذارند، مدت زیادی نیست که در هالیوود اسم و رسمی هم‌زده و روز به روز مشهورتر می‌شود. والی کارگردانی است که به طرزی ماهرانه، پیچیده‌ترین جلوه‌های ویژه سینما را به تصویر می‌کشد: احساسات و عواطف انسانی. داستان درام محض «باشگاه خریداران دالاس» (۲۰۱۳) در بحبوحه بحران ایدز در سال‌های دهه ۱۹۸۰ رخ می‌دهد. فیلمی که برای بازیگر نقش اصلی مرد و نقش مکملش یعنی متیو مکاناهی و جارد لتو جایزه اسکار را به ارمغان آورد. هر دو بازیگر در این فیلم تصویری دگرگون و متفاوت از خودشان را پیش چشم مخاطب به نمایش گذاشتند، تصویری که فراتر از تمام جذابیت‌های ظاهری هر دو بازیگر در برابر دوربین بود و دریچه‌ای تازه را به قابلیت‌های ناشناخته این دو هنرپیشه بااستعداد گشود. «وحشی» که از ۵ دسامبر (۱۴ آذر) به صورت محدود در بعضی سینماهای امریکا روی پرده رفته، تصویری متفاوت از قابلیت‌های ویترسپون در بازیگری را به نمایش گذاشته است. ویترسپون در «وحشی» ثابت کرده توانایی‌هایش فراتر از بازی در نقش‌های سطح پایین و جنجالی است، نظیر جون کارتر در فیلم زندگینامه‌ای «سر به راه باش» درباره جانی کش که سال ۲۰۰۵ اسکار عنوان بهترین بازیگر زن را برایش به ارمغان آورد. فیلمنامه «وحشی» را نیک هورنبای با اقتباس از رمان پرفروش شریل استرید که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، نوشته است. استرید در این کتاب به نقل خاطراتش از راه پیمایی ۱۸۰۰ کیلومتری‌اش پرداخته که در جریان آن تک و تنها راهی سفر می‌شود تا از دردی که بر اعماق وجودش سایه انداخته، رها شود. در واقع، «وحشی» قصه سفر درونی قهرمانش را دنبال می‌کند که برای غلبه بر رنجی که از مرگ مادرش، بابی (با بازی لورا درن) می‌کشد و جدایی در دناکش از شوهرش (با بازی تامس سادوسکی) تک و تنها راهی یک ماجراجویی دور و دراز می‌شود. والی این پروژه را با بودجه‌ای در حدود ۱۵ میلیون دلار به عنوان یک فیلم وسترن امروزی زن‌محور جلوی دوربین برد. گستره مناظری که اواز کالیفرنیا تا اورگن به ثبت رسانده و قامت کوچک ویترسپون در قاب دوربین ایو بلانژه که بیش از پیش عظمت طبیعت را به رخ می‌کشد، تصویری رؤیایی و درخشان را بر پرده سینما خلق کرده است.

ویترسپون در این باره می‌گوید: «می‌دانستم این فیلم قرار است چالش بزرگی برای من باشد. تنها چیزی که نمی‌دانستم این بود که آیا از پس آن برمی‌آیم یا نه، هم از لحاظ جسمی هم احساسی.» بازیگر ۳۸ ساله برنده اسکار اضافه می‌کند: «به علاوه می‌دانستم ژان-مارک والی دوربینش را ثابت نگه می‌دارد و هرگز آن را به سمت دیگری برنمی‌گرداند.» این درام ۱۱۵ دقیقه‌ای نخستین باراوت گذشته در جشنواره فیلم تلوراید روی پرده رفت و با تحسین منتقدان روبه‌رو شد. ویترسپون که علاوه بر بازیگری، در مقام یکی از سه تهیه‌کننده این اثر نیز ظاهر شده، در این باره توضیح می‌دهد: «تاامروز، این دشوارترین فیلم زندگی‌ام بود که در آن بازی کرده‌ام. درست است که هزاران کیلومتر راه پیمایی نکردم، اما با نوع متفاوتی از دشواری فیزیکی و جسمی روبه‌رو بودم. یادم می‌آید با یک کوله پشتی ۳۰ کیلویی از یک تپه دویدم و بالا رفتم و بعد شنیدم که می‌گویند: نه، صبر کن! از اول! کوله پشتی‌ات به قدر کافی سنگین به نظر نرسید. با یک کوله پشتی ۳۰ کیلویی بر دوشم نزدیک ۹ یا ۱۰ بار از آن تپه بالا دویدم. چیزی به اسم توقف فیلمبرداری در آن مناطق دورافتاده‌ای که ما بودیم، وجود نداشت. برای وقت ناهار استراحت نمی‌کردیم، فقط یک غذای حاضری و همین‌طوری می‌خوردیم. هیچ فرصتی برای دوش گرفتن نداشتیم. جنون‌آمیز بود، اما واقعاً فوق‌العاده بود. یک جور غسل کامل بود. من هیچ‌وقت تا این اندازه خودم را به عوامل فیلم نزدیک احساس نکرده بودم. ما همدیگر را تا بالای کوه، کشان کشان می‌بردیم و وسایل یکدیگر را حمل می‌کردیم.»

او و همکار تهیه‌کننده‌اش، برونا پاپاندریا، فیلم فرانسوی‌زبان والی به نام «C.R.A.Z.Y» تولید ۲۰۰۵ و نیز «ویکتوریای جوان» (۲۰۰۹) را دیده بودند، همین طور بخش‌هایی از «باشگاه خریداران دالاس» را که آن زمان هنوز کامل نشده بود. به گفته پاپاندریا، هر دو جذب فوریت و سیالیت شیوه کارگردانی والی شده بودند.

تهیه‌کننده فیلم تعریف می‌کند که او ناچار بود به طریقی والی را به خواندن فیلمنامه «وحشی» ترغیب کند؛ زیرا والی وقتی مشغول پروژه‌ای باشد حسابی در آن کار غرق می‌شود و دسترسی به او آسان نیست. وقتی پاپاندریا تماس گرفت، والی خودش را برای ساخت یک فیلم رمانتیک آماده می‌کرد.

والی در ظاهر کارگردان چندان جدی و سخت‌گیری به نظر نمی‌رسد، اما در کار بسیار جدی و زورگو است. حتی خودش اعتراف می‌کند زمان‌هایی که تهیه‌کنندگان و حامیان استودیویی مخالفتشان را با تصمیم‌های او اعلام می‌کنند، والی همچنان بر مواضع خودش می‌ایستد و پافشاری می‌کند. والی می‌گوید: «دکتر جکیل و آقای هاید که می‌گویند منم» و ادامه می‌دهد: «آدرنالین من را از این رو به آن رو می‌کند.» وقتی سرانجام والی فیلمنامه «وحشی» را خواند، ایده داستان عشق مادری او را حسابی تکان داد و با نیروی ویژه‌ای جذب خود کرد؛ او در غم از دست دادن مادر خودش که در سال ۲۰۱۰ بر اثر سرطان فوت کرده بود، همچنان سوگوار بود: «مادرم شبیه بابی، خیلی زن مثبتی بود. کتاب هم فوق‌العاده احساسی بود. چه کسی می‌گوید: مادرم عشق زندگی‌ام بود؟ چه کسی این را گفته؟ عشق زندگی هر آدمی جفت روحی اوست.»

والی درباره فیلمبرداری خطرناک و صحنه‌های دشوار فیلم می‌گوید: «فیلم ساختن کار خیلی سنگینی است، کلی آدم و اسباب و وسایل و طراح لباس و چهره‌پرداز و گریمور باید سر یک کار باشند، اما من تلاش می‌کنم تا جای ممکن همه چیز را سبک و ساده برگزار کنم. برای خود بازیگرها هم خوب است. همه چیز در خدمت قصه پیش می‌رود. دیگر صحنه و نور و فیلمبرداری باعث حواس‌پرتی آدم‌های سر صحنه نمی‌شود.»

استقبال منتقدان نیز از این فیلم چشمگیر بود. استیون فاربر منتقد سینمایی هالیوود ریپورتر ضمن ستایش بازی ویترسپون و درن، از والی تقدیر می‌کند و می‌گوید او «یک ماجراجویی صحرایی پرانرژی و زنده را در دل فیلمش به تصویر کشیده که در عین حال قصه قدرتمند بقا و غم واندوه خانوادگی را بازگو می‌کند.» فاربر در ادامه از این که هورنبای در اقتباس از کتاب استرید تا این حد بانکته‌سنجی و ظرافت عمل کرده، از او تقدیر می‌کند. کارگردان ۵۱ ساله فیلم، جایی در لابه‌لای صحبت‌هایش به ویترسپون اشاره می‌کند: «خب نگاهش کنید، در فیلمی که ما به شکلی وسواسی روی نورپردازی، مو و آرایش بازیگر دقت به خرج دادیم او چه منشی از خودش نشان داد و این پروژه را به خاطر خودش انتخاب کرد. این پروژه را انتخاب کرد تا چیزی تازه و متفاوت را امتحان کند، چیزی که بعدها بتواند به آن ببالد. به صلاح خودش بود که از گوشه امنش بیرون بیاید و فقط با این واقعیت کنار بیاید که ما قرار بود خیلی ساده کار را جلو ببریم و از خودنمایی و ظاهرسازی و خودآرایی خبری نبود. شاید ظالمانه به نظر برسد، اما می‌توان حس کرد به این طریق چقدر زیباتر، بی‌آلایش‌تر و ساده‌تر، انسانیت خودش را نشان می‌دهد.» ریس ویترسپون در پایان درباره تجربه حضورش در این فیلم می‌گوید: «خب این برای من بزرگ‌ترین هدیه زندگی‌ام بود که شریل اجازه داد قصه زندگی‌اش را بازی کنم. صادقانه بگویم حتی نمی‌دانم چطور باید از او تشکر کنم. فکر کنم بیش از هر چیز شیفته این ایده فیلم هستم که همه ما یک بار برای همیشه به این نتیجه می‌رسیم که تنها خودمان باید خودمان را نجات دهیم. هیچ نجات‌دهنده‌ای در کار نیست. می‌دانید، هیچ‌کس با اسب سفید نمی‌آید که آدم را نجات دهد و این که ما مسئول خودمان و شادی خودمان هستیم.»

منبع: لس‌آنجلس تایمز

رویکرد کارگردان در درام زندگینامه‌ای «وحشی» نوعی فیلمسازی بازیگرپسند است که بر نور طبیعی، دوربین روی دست و یک تیم جمع و جور از عوامل تکیه دارد

برخورد کوتاه

آغاز فیلمبرداری فیلم جدید کوئنتین تارانتینو

فیلمبرداری وسترن «هشت نفرت‌انگیز» (The Hateful Eight) به کارگردانی کوئنتین تارانتینو هفته پیش در مزرعه‌ای در ایالت کلورادو در نزدیکی شهر تلوراید آغاز شد. ساموئل ال. جکسن، بروس درن، والتن گاگینز، تیم راث، مایکل مدسن، کرت راسل و جنیفر جیسن لی در فیلم جدید تارانتینو بازی می‌کنند. هاروی و باب واینستین به عنوان مدیر تولید بار دیگر با تارانتینو همکاری می‌کنند. آن‌ها پیش از این در فیلم‌های دیگر چون «سگدانی» و «جانگو آزاد شده» با هم کار کرده‌اند. فیلم به صورت ۶۵ میلیمتری فیلمبرداری می‌شود و به صورت ۷۰ میلی‌متری و در ادامه ۳۵ میلی‌متری اکران می‌شود. شرکت واینستین پروژه ۴۴ میلیون دلاری «هشت نفرت‌انگیز» را در دسامبر ۲۰۱۵ روانه سینماها می‌کند. داستان در چشم‌انداز برفی ویومینگ در دوران پس از جنگ داخلی امریکا روی می‌دهد. جان روث (راسل) معروف به جلاد که یک جایزه بگیر است، زنی فراری به نام دیزی دومرگ (لی) را برای اجرای عدالت به شهر در حال می‌برد. جلاد و زندانی در راه با سرگرد مارکوئیس وارن (جکسن) عضو سابق اتحادیه که اکنون یک جایزه بگیر است، روبه‌رو می‌شوند، همین طور با کریس مانیکس (گاگینز) یاغی جنوبی که خود را کلانتر جدید در اک می‌داند. در راه شهر، بوران، دلیجان را از مسیر منحرف می‌کنند و آن‌ها وسط ناکجاآباد از یک بار سر در می‌آورند. باب (مکزیکی)، اوسوالدو موبری (مرد کوچک)، جو گیج (گاوکش) و ژنرال سندی اسمیترز (متحد) دیگر شخصیت‌های داستان هستند.

خبر روز

تأثیر حملات سایبری بر اکران جهانی یک فیلم

کمدی اکشن «مصاحبه» (The Interview) با بازی ست روگن و جیمز فرانکو از ۲۵ دسامبر (۴ دی) در سینماهای امریکای شمالی روی پرده می‌رود، اما این فیلم قرار نیست در شرق آسیا اکران شود. «مصاحبه» به کارگردانی روگن و اون گلدبرگ، ماجراهای یک مجری تلویزیون و تهیه‌کننده‌اش را به تصویر می‌کشد که سازمان سیا آن‌ها را برای ترور رهبر کره شمالی اجیر کرده است. گروهی اعتقاد دارند حملات سایبری اخیر به سونی پیکچرز و افشای اطلاعات محرمانه این شرکت که همچنان نیز ادامه دارد، با این فیلم در ارتباط است. یکی از سخنگویان سونی به Japan Times گفت، «مصاحبه» در شرق آسیا اکران نمی‌شود. او تأکید کرد اکران فیلم‌ها در بازارهای جهانی بر مبنای مناسب بودن آن‌ها برای نمایش انجام می‌شود. سخنگوی سونی در عین حال گفت تصمیم برای اکران نشدن «مصاحبه» در بازارهای آسیای شرقی پیش از آغاز حملات سایبری به سونی پیکچرز اتخاذ شد. در وب‌سایت رسمی «مصاحبه» تاریخ اولین اکران فیلم در کشورهای امریکای لاتین، خاورمیانه، افریقا و اروپا درج شده است، اما برای بازار بزرگ آسیا پاسیفیک تنها استرالیا و نیوزیلند فهرست شده‌اند. اف‌بی‌آی این روزها در حال تحقیق درباره حملات سایبری به سونی است و احتمال ارتباط این موضوع با کره شمالی را بررسی می‌کند. کره شمالی آشکارا مخالفت خود را با فیلم اعلام کرده، اما گفته در این حملات نقشی نداشته است.

عکس‌نوشت

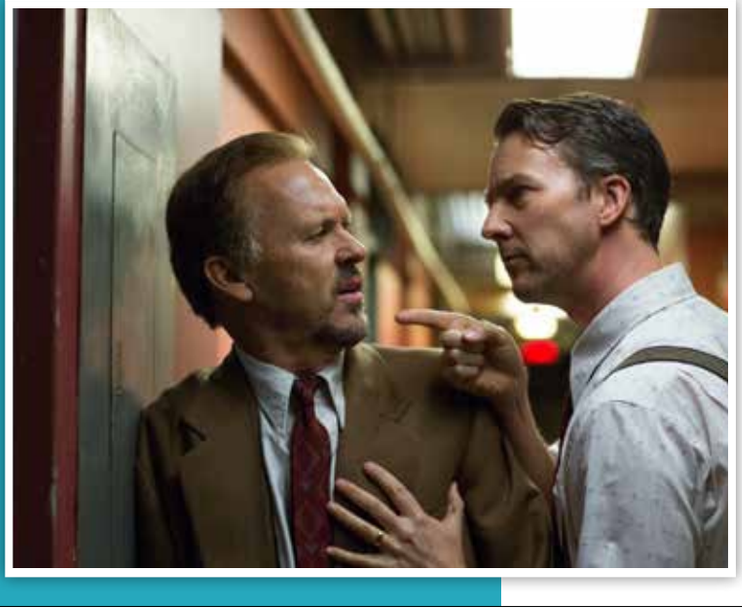

«بردمن» پیشتاز نامزدهای جوایز SAG

فیلم «بردمن» ساخته آلخاندرو گونزالس ایناریتو در چهار بخش شانس دریافت جوایز بیست و یکمین دوره جوایز سالانه انجمن بازیگران امریکا را دارد. این فیلم در بخش بهترین بازیگر مرد (مایکل کیتن)، بازیگر مرد مکمل (ادوارد نورتن)، بازیگر زن مکمل (اما استون) و گروه بازیگری نامزد شده است. «بردمن» در بخش گروه بازیگری با فیلم‌های «بچگی»، «هتل بزرگ بوداپست»، «بازی تقلید» و «نظریه همه چیز» رقابت می‌کند. انجمن بازیگران بیش از ۲۰ درصد از اعضای رأی‌دهنده آکادمی علوم و هنرهای سینمایی را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل رأی این انجمن ملاک مناسبی برای پیش‌بینی نامزدها و برندگان جوایز اسکار در بخش‌های بازیگری است.